حقوق بین المللی در حکومت اسلامی

حقوق بین المللی در حکومت اسلامی

عباس کوثري

بسم ا الرحمن الرحیم

در نظام فقهی اسلام، حقوق جایگاه ویژه ای دارد که در ابواب مختلف بدان پرداخته شده است، از جمله می توان از حق الولایه - حق الحضانة - حق التحجیر - حق القسم - حق القصاص - حق الاستحلاف - حق التّولیة والنظارة - حق الرّهانة - حق المارّة - حق الشفقة - حق.... نام برد. امروزه حقوق در ابعاد مختلف جزائی، مدنی و اقتصادی مصادیق وجلوه های جدیدی به خود گرفته است که حقوق بین الملل عمومی - حقوق بین الملل خصوصی، حق ابتکار، حق امتیاز تجارت «در زمینه واردات و صادرات»، حق عبور از کانالها و آب راههای یک کشور، حق تالیف و تصنیف از آن جمله است. لذا با توجه به اصول و قواعدی که در فقه اسلامی به صورتی عام مطرح شده است می بایستی در قالبی کاربردی و تبیین شده به سراغ حلّ پُرسشهای مربوط به آن رفت، در این میان حقوق بین الملل در حکومت اسلامی - دقتی بایسته و شایسته تر را می طلبد زیرا که حکومت فلسفه عملی حقوق اسلامی است و نقشی مؤثر در هدایت نسلها به سوی اسلام راستین ایفا می نماید. البته این مباحث را می توان از زوایای مختلفی نیز مورد بررسی قرار داد، اما نگاه بیشتر این نوشتار به جایگاه قرآنی این حقوق و چگونگی تحقق و اجراء آن در حکومت

مدنی حضرت محمد صلّی ا علیه وآله وسلم و دوران خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام معطوف گشته است. قبل از ورود در بحث مناسب است که جهت تصوّر کلّی از کلمه «حق» ابتدا به تعریف و ترسیمی که از آن در کلام فقها شده است بپردازیم. و سپس آن را در اصطلاح جدیدش مشخص سازیم.

حق در نگاه فقهاء

مشهور فقها معتقدند که حق عبارت از سلطنت است، و همانگونه که محقق اصفهانی رحمت ا علیه بیان میدارد نظر آنان به سلطنت اعتباریه است(1). این در حالی است که فقیه نامور شیخ مرتضی انصاری متوفی 1281 در عین اینکه معنای سلطنت را برای حق می پذیرد اما معتقد است که حق سلطنت فعلیّه است ومی نویسد: «ان مثل هذا الحق سلطنة فعلیّة لا یعقل قیام طرفیها بشخص واحد»، این گونه حقوق سلطنت فلعیّه هستند وبه خاطر همین خصیصه بالفعل بودن است که یک فرد نمی تواند عهده دار دو طرف حق گردد(2).

توضیح نظریّه مشهور:

هنگامیکه از دیدعقلی به نظامزندگی واجتماعی توجه می نمائیم،مشاهده می کنیم که قسمت عمده ازساختارهای آنرااعتبارات پذیرفته شده ازسوی آنان تشکیل می دهد، اعتباراتی مانند ملکیّت خانه، ماشین، اعتبار ریاست و غیره. به عنوان مثال می گوئیم زید ثروتمند است زیرا برای او از سوی عقلاء ملکیّت بر اشیاء مخصوص پذیرفته شده است، یا اینکه فردی را به عنوان - فرمانده و یا رئیس جمهور می شناسیم زیرا عقلاء مسئولیتهای

_____

1 ـ حاشیه بر کتاب مکاسب ص10 س 11.

2 ـ مکاسب شیخ انصاری ص 79 - طبع قدیم.

فوق را برای او اعتبار کرده اند، و یا طلا و نقره را ارزشمند میدانیم زیرا عقلاء و جامعه برای آنها اعتبار ارزش و مالیّت نموده است و غیر این موارد.

تحقق حقوق هم در این مجموعه و نظام معنا پیدا کرده است. هنگامیکه فرضاً حق اختصاص یا حق خیار را برای فردی خاصّ می شناسند نشات گرفته و برخواسته از همین گونه اعتبار است و تعبیر آن به سلطنت اعتباریّه نه فعلیّه نیز بخاطر این است که در شریعت یک سلسله حقوق همانند ارث، حق خیار برای صغیر و مجنون به رسمیت شناخته شده است در حالیکه سلطنت فعلیّه بر آنها ندارند زیرا سلطنت فعلیّه در صورتی است که بتواند نسبت به آن شخصاً تصمیم گیری کنند با اینکه قانوناً از آن محروم بوده و اختیار آن به اولیائشان واگذار شده است. برای این نظریّه که حق عبارت از سلطنت است شواهدی نیز اقامه شده است، مثل اینکه حق و سلطنت در ادبیّات هردو به کلمه «علی» متعدّی می شوند و یا اینکه در مورد حق قصاص در قرآن کریم تعبیر به سلطنت شده است آنجا که فرماید:

﴿وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّهُ الاَّ بِالحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سُلْطَانًا فَلاَ یُسْرِف فِّی الْقَتْلِ انَّهُ کَانَ مَنْصُورًا﴾(1).

البتّه مناقشات و اشکالاتی نسبت به این نظریّه ابراز شده است که در این مختصر نمی گنجد. نتیجه آنکه، هویّت حق عبارت از سلطنت اعتباری است و معیار در وجود و عدم این سلطنت پذیرفته شدن آن از سوی عقلاء ویا شرع مقدس قلمداد شده است.

معنای حقوق در اصطلاح جدید

یکی از حقوقدانان می نویسد:

حقوق دارای دو معناست:

1 ـ حقوق جمع حق، و آن اختیاری است که قانون برای فرد شناخته است تا شخص بتواند عملی را انجام ویا آن را ترک نماید. چنانکه گفته می شود حق نشستن، حق

1 ـ سوره اسراء: 33.

تصرّف کردن، حق مالکیت و امثال آن، استعمال حق در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. حقوق مزبور را حقوق فردی نیز می نامند.

2 ـ قواعدی که در روابط اجتماعی بین افراد حکومت می نماید که بآنها قوانین بمعنای وسیع کلمه نیز می گویند. استعمال حقوق به این معنا مجازی است وبه اعتبار آنکه قواعد مزبور حکایت از حقوق فردی می نماید بآنها حقوق می گویند، چنانکه گفته می شود حقوق ملل قدیمه، حقوق اسلام، حقوق ایران، حقوق مدنی، امثال آن. حقوق در این معنا همیشه بصیغه جمع استعمال می شود(1).

موضوع در علم حقوق بین الملل

علم حقوق بین الملل را دانش آداب جنگ و صلح دانسته اند، و در این زمینه یکی از محققین می نویسد: «دانشمندانی که بر روابط ملل همت گماشته اند دو موضوع جنگ و صلح را اساسی ترین مباحث رشته بین المللی حقوق دانسته اند و دیده می شود که گاه کتابهایشان را بهمین دو بحث نامیده اند. گروسیوس را که به پدر حقوق بین الملل ملقب می باشد کتابی است موسوم به «جنگ و صلح»(2).

البتّه این امر نسبت به موضوع حقوق بین الملل عمومی صادق می باشد، زیرا در حقوق بین الملل خصوصی موضوع از وسعت و گستره بیشتری برخوردار می باشد چنانکه در کتابهای مربوط به آن می توان ملاحظه کرد(3). قرآن کریم تحت عناوین - جهاد، قتال، صلح، عمیق ترین اصول انسانی والهی را در این رابطه بیان نموده وجلوه زیبائی از حقوق بشری را در آداب جنگ و صلح خویش متجلی ساخته است، موضوعی که بعداً بدان

¬

1 ـ حقوق مدنی، دکتر حسن امامی ج 4 ص 2 چاپ هفتم.

2 ـ حقوق بین الملل اسلامی، ص 12 ناشر انتشارات جهان آرا، جلال الدین فارسی.

3 ـ در این زمینه مراجعه شود به کتاب «مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی» دکتر سید حسین صفائی، ص 13.

خواهیم پرداخت و در اینجا فقط به ذکر دو آیه بسنده می کنیم.

قرآن کریم در سورة نساء، همراه با ترغیب و تحریض مؤمنان به سوی جنگ هدف متعالی خویش را از آن بیان میدارد و می‌فرماید: «چرا در راه خدا و بخاطر نجات مردان وزنان و کودکان گرفتار و ناتوان به جهاد بر نمی‌خیزید همانها که می‌گویند: پروردگار مارا از این شهری که صاحبانش ستمکارند رهائیمان بخش و از جانب خودمارا پیشوا و یاوری روانه ساز»(1).

در سورة ممتحنه، در ارتباط با آنها که از در صلح و آشتی و صداقت درآیند نیکی و عدالت را در برنامه های خویش اعلام میدارد و می فرماید: «خدا شمارا از نیکی کردن وبه عدالت بودن کسانیکه بخاطر عقیده و دین با شما نجنگیده اند و از دیارتان بیرون ننمودند باز نمی دارد خداوند مردم باعدل و داد را دوست میدارد»(2).

«تعریف واژ ملّت»: کلمه ملت از بعد اعتقادی مذهبی و از دیدگاه اجتماعی می تواند دو مفهوم جداگانه داشته باشد. از دیدگاه قرآن، ملّت به یک واحد و مجموعه فکری و علمی که اصول خویش را ازطریق یک رهبر الهی گرفته باشد اطلاق می شود، در این رابطه شهید مطهری می نویسد: کلمه «ملّت» کلمه عربی است و به معنای راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنا آمده است، این کلمه هفده بار در 15 آیه در قرآن کریم آمده است... ملّت در اصطلاح قرآن به معنی راه و روش و طریقه ای است که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است مثلاً می فرماید «ملّت أبیکم ابراهیم» یعنی راه و روش ابراهیم...

پس از نظر قرآن، یک مجموعه فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق

_____

1 ـ سوره نساء: 75.

2 ـ سوره ممتحنه: 8.

آن عمل کنند، ملّت نامیده می شود. بنا بر این ملّت با دین یک معنا دارد(1).

و اما معنای ملّت از نظر اجتماعی عبارت از جمعیت متشکلی است که حکومت و قانون واحدی بر آنها حکومت کند.

یکی از نویسندگان در این باره می نویسد:

با تفکیکی در که قرن بیستم از ملّت و مردم می شود، لغت «مردم» بیشتر برای تعیین گروه اجتماعی به کار میرود و لیکن «ملّت» از نظر حقوقی و سیاسی، واحد جمعیت است که بر قلمرو ارضی کشوری مستقر می شود و این استقرار نتیجه وحدت تاریخی، زبانی، مذهبی، یا اقتصادی یا آرمانهای مشترک و خواستن ادامه زندگی مشترک است(2).

آنچه در این نوشتار مورد نظر قرار گرفته است هردو معنای آن می باشد، آنجا که از حقوق ملّتهای مسلمان سخن به میان می آید ملیّت در بعد اجتماعی و کشوری آن مورد نظر است و الاّ از جهت اعتقادی، تعدّد و کثرت ندارد و آن هنگام که حقوق ملیتهای مذهبی در حکومت اسلامی بحث می شود مفهوم اعتقادی ملیّت مورد توجه می باشد. بدین ترتیب از آنجا که این جوامع در یک رابطه جمعی و هماهنگ نیازمند نظارت و قانون و حقوق مشخصی هستند که بتواند آنان را در مسیر صحیح انسانی هدایت و راهنما باشد، اصول و قوانین مدوّن و متعددی در این جهت عرضه شده است و در شکل جهانی خود موجب ظهور نهادها وسازمانهای بین المللی گشته است. اما گذشت زمان، ناتوانی وضعف کاربردی آن را روشن ساخته است به گونه ای که به راحتی حق مسلّم یک ملّت در فلسطین اشغالی نادیده انگاشته می شود وهیچگونه برخورد عملی و واقعی از سوی دست اندرکاران به عمل نمی آید، و از عوامل مهم این ضعف نبودن پشتوانه عمیق اعتقادی و ایمانی برای این حقوق واجرای آن می باشد.

_____

1 ـ خدمات متقابل اسلام و ایران ص 39 چاپ هفتم.

2 ـ اصول علوم سیاسی جلد اوّل ص 327 نقل از خدمات متقابل اسلام وایران ص 42.

اسلام و تامین حقوق ملتها

اکنون وقت آن رسیده است که به بررسی دیدگاه اسلام در این رابطه پرداخته، ترسیم این حقوق را در اسلام و راههای کاربردی آن را در حکومت رسول مکرّم اسلام وامام علی علیه السلام جویا شویم و در این راستا آن را در چند محور مورد نظر قرار میدهیم:

الف ـ حقوق متقابل مسلمانان و شیوه های اجرائی آن.

ب ـ حقوق اقلیتهای مذهبی «اهل کتاب» در حکومت اسلامی.

ج ـ حقوق ملیتهای غیر دینی در حکومت اسلامی

حقوق متقابل مسلمانان و شیوه های اجرائی آن

قرآن کریم تمامی مسلمانان را علیرغم ویژگیهای جغرافیائی، منطقه¬ای و قبیله¬ای به عنوان امت واحد معرّفی و آنان را برخوردار از یک هویّت حقیقی و واقعی میداند و می فرماید:

انّ هَذِهِ امّتُکُمْ امّهً وَاحِدَه وَانَا رَبّکُمْ فَاعْبُدُونِ (1)..

اینک طریقه وروش شما یکی است ومن پروردگارشماهستم پس مراپرستش کنید».

و از صفات یاران و همراهان پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم مهربانی و محبت با یکدیگر را ذکر کرده

و بیان میدارد: محمد فرستاده خداست و همراهانش بر کافران دل سخت و با یکدیگر مشفق و مهربانند «رحماء بینهم»(2)، و تمامی مؤمنان را به عنوان برادر اعلام کرده و رسالت و مسئولیّت اصلاح بین آنان را وظیفه همگان قلمداد می کند، آنجا که در قرآنخوانیم:

_____

1 ـ سوره انبیاء: 92.

2 ـ سوره فتح: 29.

﴿انّما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم واتّقوا اللّه لعلّکم ترحمون﴾(1).

و چه زیباست که مسلمین علاوه بر پرچم های ملّی و منطقه خویش پرچم واحدی را انتخاب و «انما المؤمنون اخوه» را به نشانه و رمز وحدت اسلامی عقیدتی خویش برگزیده و آن را نه تنها در شعار که در صحنه های بین المللی و موضع گیریهای جهانی، محور حرکت و تصمیم گیریهای خویش قراردهند. در سوره انفال مسلمانان را از نزاع و کشمکش بین خود برحذر داشته است و به آنها هشدار می دهد که نسیم های موافق و سودبخش را مغتنم شمرده و جامعه اسلامی خویش را دچار آشفتگی و سرگردانی ننمایند و به همه آنها دستور می دهد:

﴿واطیعوا اللّه ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم واصبروا انّ اللّه مع الصّابرین﴾(2).

با یکدیگر به نزاع و اختلاف برنخیزید که قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد.

و در آیه شریفه: ﴿واعتصموا بحبل اللّه جمیعًا ولا تفرّقوا واذکروا نعمه اللّه علیکم اذ کنتم اعداء فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانًا وکنتم علی شفا حفره مّن النّار فانقذکم مّنها

کَذَلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ(3).

تمامی مسلمین را به وحدت و اتحاد و چنگ زدن به ریسمان الهی فرا می خواند.

و براین مبناست که رسول مکرم اسلام صلّی ا علیه وآله وسلم خود شخصاً به اجرای آن اقدام وآن را عملاً درجامعه مدنی و اسلامی خویش متجلّی ساخته که نمونه های زیر از این مقوله است:

الف ـ انعقاد قرار داد بین مهاجرین و انصار

جنگ «بعاث» و اختلافات دامنه دار بین اوسیان و خزرجیان حکایت از کینه های نهفته و اختلافات ریشه دار بین آنان دارد. از، طرفی وجود مهاجران که از اطراف راه مسلمانی می گیرند وبه سوی مدینه، کعبه آمال خویش رهسپار می شوند، مشکلات را افزون

_____

1 ـ سوره حجرات: 10.

2 ـ سوره انفال: 46.

3 ـ سوره آل عمران: 103.

ساخته و هریک از اینها به نوبه خود می تواند جبهه مسلمانان را دچار آشفتگی سازد ; بدین جهت است که پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم ابتدا قراردادی را بین مهاجرین وانصار مقرّر داشته تا در سایه آن زندگی اجتماعی آنان سامان یافته و تضمین کننده وحدت آنان بوده باشد که قسمتی از موادّ آن به شرح زیر می باشد:

1 ـ مؤمنان مهاجر قریش و مسلمانان مدینه و هرکس که به آنان بپیوندد و همراه آنان جهاد کند یک امتّند و ملّت واحدی را تشکیل میدهند. مهاجران قریش به رسم سابق خویش خونبها پرداخته و به کمک

یکدیگر فدیه اسیر خویش را می پردازند.

2 ـ قبائل بنی ساعده - بنی الحارث - بنی جشم - بنی النجار - بنی عمرو ابن عوف - بنی النبیت - بنی الاوس - نیز به کمک یکدیگر فدیه پرداخته و اسیر خویش را آزادسازند.

3 ـ «ان المؤمنین المتقین، علی من بغی منهم... ان ایدیهم علیه جمیعاً و لو کان ولد احدهم»

مؤمنان باتقوا علیه هر فرد از آنان که سرکشی کند یا درصدد ستمی یا گناهی یا تجاوز و فسادی میان مؤمنان باشند یکپارچه و متّحد علیه وی خواهند بود گرچه وی فرزند یکی از آنان باشد.

4ـ گروههای مسلمان به نوبت در جهاد شرکت می کنند تاخونی که از آنان در راه خدا ریخته می شود به صورت مشترک و مساوی بوده باشد.

5 ـ در اختلاف فیما بین، مرجع حلّ آن خدا و محمد صلّی ا علیه وآله وسلم می باشد(1).

ب ـ پیمان برادری بین مسلمین:

رسول گرامی اسلام در جهت تحقق و اجرای آیه: انّمَا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَه فَاصْلِحُوا بَیْنَ اخَوَیْکُمْ وَاتّقُوا اللّهَ لَعَلّکُمْ تُرْحَمُونَ(2).

_____

1ـ سیره ابن هشام ج 2 ص 120، دار الفکر.

2 ـ سوره حجرات: 10.

و جهت تحکیم پایه های جامعه اسلامی، طرحی بدیع و زیبا را در دستور کار خویش قرارداد. سلیمان بن ابراهیم قندوزی می نویسد:

روزی پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم در جمع مهاجران و انصار فرمود:

«تواخوا فی ا اخوین اخوین».

(دوتا دوتا با یکدیگر برادر شوید).

سپس دست علی بن ابیطالب علیه السلام را گرفت و آن حضرت را به عنوان برادر خویش معرّفی نمود، بدین ترتیب جعفربن ابیطالب با معاذ بن جبل ازقبیله بنی سلمه، برادر می شود و ابو بکر با خارجه از قبیله بلحارث بن خزرج و ابو عبیده جرّاح با سعد بن معاذب از قبیله عبد الاشهل، و مصعب بن عمیر با ابو ایّوب از قبیله بنی النجار برادرشوند(1).

پیمانی که بعدها برای مسلمانان خاطرات شیرینی را به همراه داشته و به پاس آن پیمانی که رسول خدا صلّی ا علیه وآله وسلم میان آنان بسته بود یکدیگر را گرامی می داشتند.

ج ـ اعلام منشور و حدت برای همیشه تاریخ

شکوهمندترین حج ابراهیمی علیه السلام در حجه الوداع توسط رسول مکرّم اسلام تجسّم یافت وسرزمین عرفات شاهد جلوه زیبای چهره ملکوتی آخرین پیامبر گشت، چشمان منتظر مسلمین شاهد درخشش نور محمدی می شود و به نظاره اش می نشینند، پیامبر در حالیکه بر قصواء سوار است خطبه تاریخی خویش را ایراد می کند، خطبه ای که بیانگر حقوق متقابل مسلمانان و مبنای رابطه صحیح والهی آنان می باشد که قسمتی از آن این چنین است:

_____

1 ـ ینابیع المودّه ج 1 صط 180 - دار الاسوه طبع اوّل الباب التاسع فی حدیث المؤاخاه حدیث 7 و سیره ابن هشام ج 2 / 124.

ای مردم سخنان مرا بشنوید، شاید بعد از امروز شما را در این مکان نبینم.

«ان دماءکم و اموالکم حرام علیکم کحرمه یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا».

(خونها واموال شما بر یکدیگر تا روزی که خدا را ملاقات نمائید همانند امروز واین ماه محترم وهرگونه تجاوز به آنها بر شما حرام است.

سپس فرمود:

«ایّها الناس ای یوم هذا قالوا یوم حرام ثم قال ایها الناس فای شهرٌ هذا قالوا شهرٌ حرامه»

(ای مردم این چه روزی است، همگی گفتند روزی محترم، باز فرمود این ماه چه ماهی است، همگی گفتند ماه حرام است که جنگ در آن ممنوع اعلام شده.

باز فرمود: این چه سرزمینی است، همگی گفتند سرزمین محترم که در آن هرگونه تجاوز و خونریزی حرام شمرده شده است. فرمود خداوند خونها و مالها و آبروی شما را همانند امروز و این ماه بسان این سرزمین محترم شمرده است و تعرّض و تجاوز به آن را بر شما حرام نموده است:

«الا فلیبلغ شاهدکم غائبکم لا نبی بعدی».

پس حاضرین شما به غائبین این مطلب رابرسانند پیامبری بعد ازمن نیست(1).

ملاحظه می کنید که اگر این منشور را مسلمین و دولتهای اسلامی به عنوان خط مشی خویش و مبنای روابط برون مرزی خویش قرار دهند، می تواند امنیّت منطقه ای همه آنان را تامین و دیگر نیازمند به دخالت خارجیان و قدرتهای استکباری نخواهند بود.

_____

1 ـ بحار الانوار ج 21 ص 381 و ص 405 ; و سیره ابن هشام ج 4 - 275.

د ـ رسول مکرّم اسلام و مبارزه با اختلاف وتفرقه

مسلمین در سایه تعالیم قرآن و رهبری الهی رسول مکرّم اسلام به الفت و مهربانی و وحدت دستیاخته و خود موجب خشم هرچه بیشتر دشمنان اسلام گشتند. روزی شاس ابن قیس یهودی می بیند که اوس و خزرج اختلافات دیرینه را کنار گذاشته اند و هماهنگ و متحد گرد هم جمع شده اند، به این همدلی و صفا حسد می برد و می گوید با اتحاد اینان یهودیان آسایش و آرامش نخواهند داشت.

از یکی از جوانان یهود که بهمراه او بود می خواهد که خاطرات جنگ بعاث که کشته های زیادی از اوس و خزرج گرفته است در یادها زنده کند، او نیز به این کار دست می زند و در نتیجه اوس ابن قیظی از قبیله اوس با جابر ابن صخر از قبیله خزرج به نزاع برمی خیزند وبه رسم جاهلی قبیله آن دو به حمایت آنان صف آرائی می کند به گونه ای که امنیت مدینه مورد تهدید قرار می گیرد، رسول مکرّم اسلام در جمع آنان حضور می یابد آنان را پند می دهد که، با اینکه من در میان شما هستم به شعارهای جاهلی روی آورده اید آنهم پس از آنکه خداوند به برکت اسلام بین شما اُلفت بر قرار ساخته است، مواعظ رسول مکرّم اسلام پایان می یابد و مسلمین سرافکنده و شرمسار اسلحه را به زمینگذارند و یکدیگر را در آغوش می گیرند(1).

بدین مناسبت آیات شریفه ذیل نازل می شود:

(ای کسانیکه ایمان آورده اید، اگر دسته ای از اهل کتاب را پیروی کنید شمارا بعد از ایمان به کفر برمیگردانند، چگونه کافر می شوید در صورتکیه برای شما آیات خدا تلاوت می شود و پیغمبر خدا میان شماست. هرکس بدین خدا چنگ بزند به راه مستقیم دست یافته است)(2).

_____

1 ـ سیره ابن هشام ج 2 ص 183.

2 ـ مجمع البیان ج 1 ذیل آیل شریفه: 101 - 100.

این چنین است که امروز نیز مسلمین باید دست های پنهان صهیونیزم را به خوبی بشناسند و اجازه ندهند اتحاد آنان مورد هجوم دشمنان اسلام قرار بگیرد.

هـ ـ تشکیل دادگاه عدل الهی جهت حلّ اختلافات

تجربه جوامع بشری نشان داده است که بسیاری از اوقات حلّ اختلاف بصورتی عادی و معمولی انجام نمی گیرد و در مواردی هیچیک از طرفین حاضر به قطع مخاصمه نیستند و ممکن است خود راساً اقدام به مطالبه حق بنمایند، که این بر تشدید اختلافات خواهد افزود. بدین جهت ضروری است که برای جلوگیری از هرج و مرج و آشفتگی نظام دادگاهی تشکیل و بادرنظر گرفتن تمامی جوانب مساله بررسی شود و در صورت لزوم متجاوز با قوه قهریّه در مقابل قانون خاضع گردد.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿یَا ایّهُهَا الّذِینَ آمَنُواْ اطِیعُواْ اللّهَ وَاطِیعُواْ الرّسُولَ وَاوْلِی الامْرِ مِنکُمْ فَان تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدّوهُ الَی اللّهِ وَالرّسُولِ ان کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ ذَلِک خَیْرٌ وَاحْسَنُ تَاوِیلاً﴾(1).

(اگر در چیزی کارتان به اختلاف و نزاع منجر شود آن را به حکم خدا و رسول برگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید).

بر این اساس رسول مکرّم اسلام بدین امر اقدام نموده و در قرارداد و منشور حلّ اختلاف خویش برای مسلمانان مکتوب و امر مزبور را عملی ساخت. چنانکه در بخشی از آن قرار داد می خوانیم:

«وانکم مهما اختلفتم فیه من شیء فان مرده الی ا والی محمد صلی ا علیه وآله».

موقعی که در چیزی اختلاف کردید مرجع حل اختلاف خدا و محمد صلّی ا علیه وآله وسلم

_____

1 ـ سوره نساء: 59.

خواهد بود(1).

خوب است که مسلمین از این دستور العمل الهی بهره گیرند و خود دادگاهی عام با اختیار و پشتوانه کامل حقوقی - اجرائی تشکیل داده تا اینکه بر اساس حکم الهی و سنت نبوی صلّی ا علیه وآله وسلم حکم بنماید.

حقوق متقابل مسلمین و حکومت اسلامی

از مسائل مهمی که در حقوق اسلامی بدان اهتمامی وافر شده است رابطه مردم و حکومت اسلامی است، و با شناخت این رابطه هاست که می توان هرکدام را در جایگاه خویش ارزیابی نموده و جهتها و کاستیها را تشخیص داد، امام علی علیه السلام این شخصیت الهی و سند محکم اعجاز تربیتی اسلام، در یکی از بیانات شیوای خویش می فرماید:

«ای مردم، شمارا بر من حقی هست، و مرا هم بر شما حقی است، حقی که شما بر من دارید: پند دادن و اندرز گفتن است و رساندن غنیمت و حقوق به شما بدون حیف و میل بیت المال، از نادانی رهانیدن و دانش آموختن است، ادب کردن و پروانیدن است. اما حقی که من بر شما دارم: پایداری در بیعت است و هواداری پیش رو و در غیبت است و اطاعت و فرمان بردن است و پاکبازی و سرسپردن است»(2).

که در کلام امام علیه السلام اصول: الف - آموزش ب - اخلاق - ج - اقتصاد سالم به عنوان وظائف حاکم و اصل حمایت تا سرحدّ جانبازی وظیفه ملّت معرفی شده، است اصولیکه می تواند محک و معیار نیکی برای ارزیابی و عملکرد هریک از دولتها و مردم قرار گیرد.

_____

1 ـ سیره ابن هشام ج 2 ص 121، دار الفکر.

2 ـ نهج البلاغه، فیض الاسالم خطبه 34 - ص 113.

حقوق اقلیتهای دینی در حکومت اسلامی

اسلام، دین کامل و مجموعه قوانینی است که تمام زندگی انسان را وجهه دیدگاه الهی وفطری خویش قرارداده وبرای هریک از ابعاد وحیات اجتماعی سیاسی، اقتصادی و حقوقی او سرفصلها و فرمولهای تعیین کننده ترسیم نموده است، که بخشی از آن مشخص کننده و تنظیم گر رابطه بین حکومت اسلامی و اقلیتهای دینی می باشد که در این قسمت به تعدادی از این قواعد اسلامی اشاره می کنیم:

الف ـ اصل عدالت:

عدالت یکی از اصول مسلم قرآنی است، به گونه ای که قرآن کریم یکی از اهداف عمده فرستادن پیامبران را تحقق عدالت بر می شمارد و می فرماید: ما پیامبران خویش را با دلائل روشن فرستادیم وبه آنان کتاب و میزان دادیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

قرآن کریم خداوند را به عنوان دستور دهند به عدالت معرّفی نموده ومی فرماید:

﴿انّ َ اللّه َ یَامُرُ بِالْعَدْلِ وَالاحْسَانِ وَایتَاء ذِی الْقُرْبَی وَیَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنکَرِ وَالْبَغْی یَعِظُکُمْ لَعَلّ َکُمْ تَذَکّ َرُونَ﴾(1).

و از همه مردم می خواهد که عدالت را پاسدار و نگاهبان باشند چنانکه بیان میدارد:

﴿یَا ایّ ُهَا الّ َذِینَ آمَنُواْ کُونُواْ قَوّ َامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاء لِلّه ِ وَلَوْ عَلَی انفُسِکُمْ اوِ الْوَالِدَیْنِ وَالاقْرَبِینَ ان یَکُنْ غَنِیّ ًا اوْ فَقَیرً ا فَاللّه ُ اوْلَی بِهِمَا فَلاَ تَتّ َبِعُواْ الْهَوَی ان تَعْدِلُواْ وَان تَلْوُواْ اوْ تُعْرِضُواْ فَانّ َ اللّه َ کَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرً ا﴾(2).

ونیز تنظیم روابط را به گونه ای خواستار است که نه ظالم و نه مظلوم واقع شوند چنانکه در آیه: ﴿فَان لّ َمْ تَفْعَلُواْ فَاذَنُواْ بِحَرْبٍ مّ ِنَ اللّه ِ وَرَسُولِهِ وَان تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُوسُ امْوَالِکُمْ لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ﴾(3)، متجلی می باشد و عدالت را به عنوان

_____

1 ـ سوره نحل: 90.

2 ـ سوره نساء: 135.

3 ـ سوره بقره: 279.

میزانی برای برخورد صحیح و منطقی در مواضع غضب ذکر می کند و می فرماید:

شمارا نباید دشمنی گروهی بر آن بدارد که از طریق عدالت برون روید عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است(1).

1 ـ عدالت در قضاوت

زمانیکه امام علی علیه السلام حاکم و رهبر کشور اسلامی بود در باره زرهی بین آن بزرگوار و یکی از شهروندان یهودی اختلاف می شود، زره در دست یهودی و در تصرّف اوست، حضرت فرمودند که این ملک من است و آن را نفروخته و به کسی نبخشیده ام، اما یهودی آن را انکار می کرد واختلاف به دادگاه ارجاع می شود. قاضی از امام علی علیه السلام می خواهد که شاهد اقامه کند، حضرت قنبر و امام حسین علیه السلام را به عنوان گواه معرّفی می نماید، قاضی نمی پذیرد، با این استدلال که شهادت فرزند در باره پدر و غلام در باره آقا بخاطر اینکه ذی نفع اند پذیرفته نیست .

حضرت قاضی را به اشتباه در دادرسی و قضاوتش متذکر می شوند، اوّلاً: تو از گفتار من علم پیدا کردی زیرا میدانی که من خلاف نمی گویم، پس می توانی به علم خویش قضاوت نمائی. ثانیاً: تو شهادت قنبر و یکی از آنان را که «طبق فرموده پیامبر» آقای جوانان اهل بهشت است ردّ نمودی، آنان را متهم به جلب منفعت بسوی خویش ساختی، اکنون در مقابل این اشتباه سه روز بین یهودیان قضاوت کن، سپس حضرت بدون اینکه شخصاً علیه آن یهودی تصمیم بگیرند برگشت، در این هنگام یهودی پیش آمد و گفت: هذا امیر المؤمنین و جاء الحاکم و حکم علیه فاسلم ثم قال الدرّع درعک سقطت یوم صفین: این خود امیر مؤمنان

است اما با فرو تنی بسوی قاضی آمده و او هم به ضرر حضرت حکم نموده است، این از شما است که در یکی از روزهای صفّین از مرکب شما

فرو افتاد و در اثر این دادگری اسلام را به عنوان دین خویش برگزید(1).

2 ـ رسیدگی به وضعیت معیشتی اهل کتاب

امام علی علیه السلام، روزی یکی از مسیحیان را می بینند که تنگدستی به او روآورشده و از مردم مطالبه کمک مالی می کند، حضرت فرمودند: چرا هنگامیکه او قدرت داشت جامعه از او استفاده نموده و اکنون که توان خویش را از دست داده به او بی توجهی شود، از آن پس مقرّر فرمود که بیت المال اورا تامین وبه وضعیت اقتصادی او سامان بخشند(3).

3 ـ اهتمام به امنیت اجتماعی اهل کتاب

به هنگام خلافت علی علیه السلام، خبر میرسد که از سوی دشمن به یک زن مسلمان و یکی از زنان اهل کتاب اهانت شده و گوشواره و دستبند از آن ستانده اند، حضرت برآشفت و خطبه ای ایراد کرد که در قسمتی از آن می فرماید:

«به من خبر رسیده که یکی از لشکریان ایشان «سفیان بن عوف غامدی»، بر یک زن مسلمان و یک زن کافره ذمیّه داخل می شده و خلخال و دست بند و گردن بندها و گوشواره های اورا بزور وتهدید می گرفت و آن زن نمی توانسته از او ممانعت کند مگر آنکه صدا بگریه بلند نموده واز خویشان خود کمک بطلبد، پس دشمنان با غنیمت و دارائی بسیار بازگشتند در صورتیکه بیک نفر از آنها زخمی نرسید و خونی از آنها ریخته نشد. اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد بر او ملامت نیست بلکه بنزد من هم بمردن سزاوارتر است»(3).

_____

1 ـ بحار الانوار ج 41 ص 57 نقل از مناقب آل ابی طالب ج 1 - ص 310.

2 ـ وسائل الشیعه ج 11 ص 49 باب 19.

3 ـ نهج البلاغه فیض الاسلام شماره 27 خطبه جهاد 95.

ب ـ پیمان همزیستی مسالمت آمیز

بعد از اینکه پیامبر گرامی اسلام در مدینه دولت تشکیل دادند، جهت حسن همجواری بااهل کتاب پیمانهائی را منعقد ساخت که درآن برحقوق طرفین تاکید شد، این پیمانها را می توان در معاهدات با مسیحیان نجران ویهودیان ازقبائل مختلف مشاهد نمود، که به عنوان نمونه قسمتی از این پیمانها را با ترجمه یکی از محققین نقل می نمائیم:

1 ـ یهودان بنی عوف با مسلمانان متحد و در حکم یک ملتند و مسلمانان و یهودان در آئین و دین خود آزادند، بندگان آنها از این بند مستثنی نیستند یعنی آنان در آئین خود آزادند مگر گناهکار و بیدادگران که آنان فقط خود و اهل بیت خودرا هلاک می کنند«زیرا معمولاً اهل بیت ظالم از وی پیروی می کنند».

2 ـ یهودان بنی نجار - بنی حارث - بنی ساعده - بنی جشم - بنی اوس - بنی ثعلبه - بنی شطیبه بسان یهودان بنی عوف هستند.

3 ـ کسانیکه با یهود هم سورازند حکم خود آنها را دارند.

4 ـ هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم کند در چنین صورت باید ستمدیده را یاری کرد.

5 ـ داخل یثرب برای امضاء کنندگان این پیمان منطقه حرم اعلام می گردد.

6 ـ هرگاه مسلمانان یهود را برای صلح با دشمن دعوت کردند باید بپذیرند وهرگاه چنین دعوتی از طرف یهود انجام گیرد مسلمانان باید قبول کنند مگر اینکه دشمن با آئین اسلام و نشر آن مخالف باشد(1).

با توجه به پیمان فوق که مقداری از آن نقل شد، می توان حقوق شهروندان اهل کتاب را در حکومت اسلامی دریافت، حقوقیکه حکومت اسلامی، خود را موظّف به

_____

1 ـ سیره ابن هشام ج 2 ص 121، ترجمه از فروغ ابدیّت ج 1: ص 379.

اجرای آن میداند، اما اگر آنان نقض عهد نموده و حکومت اسلامی را مورد تعرّض قرار دهند چون دیگر فتنه جویان و توطئه گران سرکوب خواهند شد. و این درسی است که رسول گرامی اسلام فراراه امت اسلامی قرار داده است و نظام جمهوری اسلامی آن را در ارتباط با اسرائیل غاصب تعقیب می کند. در پایان این فصل به حقوق اقلیتهای دینی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است می پردازیم:

اقلیتهای دینی در قانون اساسي

در اصل سیزدهم قانون اساسی آمده است:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیّه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند.

و در اصل شصت و چهارم آن در ارتباط با نمایندگی مجلس شورای اسلامی اینچنین بیان میدارد:

زرتشتیان و کلیمان، هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می نمایند.

حقوق ملیّتهای غیر دینی در حکومت اسلامی

قوانین اسلام براساس فطرت وسرشت انسان نهاده شده است وهدفهای متعالی بشری و حقوق انسانی در آن جلوه تام و تمام و انعکاسی درخشنده دارد. با نگاهی به قوانین اسلام درمی یابیم که نهادهای بین

المللی وسازمانهای حقوقی نیست که پیام آور حقوق بشری است، بلکه قرنها قبل اسلام وبهترین اصول انسانی را عرضه داشته وبا تفسیری صحیح وبرخوردار ازپشتوانه های اعتقادی آنرا فراراه بشریت قرارداده است، که

به اختصار بخشی از این اصول و جلوه های آن را درحکومت اسلامی ذکر می کنیم.

الف _ آزادی:

اسلام به آزادی تفکر و اندیشه دینی توجهی ویژه دارد، در قرآن کریم یکی از اهداف پیامبر گرامی اسلام را زدودن غلها و زنجیره های نظام جاهلی معرّفی کرده و می فرماید:

الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الامِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاه وَالانْجِیلِ یَامُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ اصْرَهُمْ وَالاغْلاَلَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ آمَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِی انزِلَ مَعَهُ اوْلَئِک هُمُ الْمُفْلِحُونَ(1).

و این آزادی را در عمل پیامبر گرامی اسلام مشاهد می نمائیم چنانکه مفسرین در شان نزول آیه شریفه:
لاَ اکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَی فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِن بِاللّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَک بِالْعُرْوَه الْوُثْقَی لاَ انفِصَامَ لَهَا وَاللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ

نقل کرده اند: یکی از انصار که مسلمان شده بود دو پسر داشت که بدین مسیحیت گرویده بودند پدر از این جهت بسیار ناراحت بود، به خدمت رسول گرامی آمد و پرسید که آیا اجازه میدهید کاری کنم که آنان به اجبار دست از دین خویش بردارند و مسلمان شوند.

آیه شریفه مزبور نازل شد و اورا از این کار بازداشت(2).

ودر جریان صلح حدیبیه دریکی ازموادّ آن می خوانیم اگریکی ازافراد قریش به مسلمانان بپیوندد باید توسط محمد صلّی ا علیه وآله وسلم به سوی آنان بازگردانده شود اما اگریکی از مسلمانان به سوی مشرکان قریش پناهنده شود آنها موظّف به استرداد اونخواهند بود.

مادّه که پیامبر گرامی اسلام نظر خویش را در باره اش اینچنین اعلام داشت ومسلمانیکه پناهنده به مشرکان می شود و کفر را بر اسلام ترجیح می دهد بیانگر اینست که از

_____

1 ـ سوره اعراف: 157.

2 ـ المیزان ج 2 ص 366 «چاپ دوم - طبع ایران

ایمانی عمیق و فطری برخوردار نیست و چنین فردی شایستگی جمع مارا نخواهد داشت(1).

و در داستان مسیحیان نجران و ملاقات آنان با پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم آمده است که مسیحیان به رسم خویش و در حضور پیامبر نماز خویش را به سوی مشرق اقامه نمودند و ممانعتی از سوی آن بزرگوار به عمل نیامد(2).

فقهای اسلام نیز بر غیر تقلیدی بودن اصول دین تاکید نموده اند و بیان داشته اند که باید آن را با استدلال و برهان پذیرفته و پایه های آن را بر اساس دلائل عقلی استوار ساخت(3).

دولتهای غربی با استفاده از نام مقدس آزادی و تفسیر غلط آن می خواهند جنایات خویش را توجیه و آن را در محدوده بی بند و باریهای حیوانی و لذات شهوانی محصور کنند و چنان شود که شاعر مغرب زمین می گوید: ای آزادی چقدر زیبائی ولی چه جنایاتی به نام تو انجام میدهند.

ب ـ حاکمیّت منطق و استدلال

اساس اسلام بر حکمت نهاده شده است و به پیامبر دستور داده شده است که مردم را بر اساس حکمت واستدلال به اسلام فراخوانند و می فرماید:

﴿ادْعُ الِی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَه وَالْمَوْعِظَه الْحَسَنَه وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِی احْسَنُ انَّ رَبَّکَ هُوَ اعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ اعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ﴾(4).

وبه آنان سخن نیک تر را برمی گزینند مژده می دهد واعلام میدارد:

_____

1 ـ بحار الانوار ج 20 ص 350.

2 ـ سیره ابن هشام ج 23 ص 20.

3 ـ توضیح المسائل مساله 1.

4 ـ سوره نحل: 125.

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ اوْلَئِك الَّذِینَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَاوْلَئِک هُمْ اوْلُوا الْالْبَابِ﴾(1).

و تمامی مشرکان را برای شنیدن منطق و اصول اسلام فرا می خواند و امنیت آنان را تا رسیدن به مقصد تامین می کند چنانکه در قرآن کریم می خوانیم: ﴿وَانْ احَدٌ مِّنَ الْمُشْرِکِینَ اسْتَجَارَک فَاجِرْهُ حَتَّی یَسْمَعَ کَلَامَ اللّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَامَنَهُ ذَلِک بِانَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ یَعْلَمُونَ﴾(2).

اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا اورا به

منزلش برسان.

بر اساس همین فرصت و مهلت اسلامی است که امام خمینـد(قدس سره) در مصاحبه با خبرنگار «لوموند» پس از ردّ هرگونه اتحاد با مارکسیست ها وبا اشاره به تضادّ اصول اسلامی با آنها می گویند: «در جامعه ای که ما به فکر استقرار آن هستیم مارکسیست ها در بیان مطلب خود آزاد خواهند بود زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است، ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مساله کسانی مطرح شده است که وجود خدارا انکار می کرده اند ما هیچگاه آزادی آنهارا سلب نکرده و بدان لطمه وارد نیاورده ایم هرکس آزاد است اظهار نظر کند ولی برای توطئه کردن آزاد نیست(3).

ج ـ لغو امتیازات طبقاتی وغیر اصولي

قرآن کریم تمامی انسانها را برخوردار از یک مبدء و اصل میداند و راه کمال را فراراه همه آنها بصورت مساوی گشوده است. در یکی از آیات قرآن می خوانیم:

ای مردم ماهمه شما را از مرد و زنی آفریدیم و شمارا فرقه ها و طوائف گوناگون

_____

1 ـ سوره زمر: 17.

2 ـ سوره توبه: 6.

3 ـ صحیفه نور ج2 ص 45 در مصاحبه با خبرنگار «لوموند».

قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید همانا بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شما و خدا از حال شما کاملاً آگاهست(1).

رسول گرامی اسلام در خطبه خویش پس از فتح مکه، به لغو این گونه امتیازات تصریح می کند که فرازهائی از آن را نقل می کنیم:

1 ـ بدانید که خداوند بزرگ فروشی و تفاخر دوره جاهلیت به وسیله نیاکان را لغو نموده همگی شما از آدم بودید و آدم از خاک آفریده شده است، ارجمند ترین شما باتقواترین شماست.

2 ـ عربیّت ملاک شخصیت نیست بلکه آن فقط زبانی گویا است، کسی که در انجام وظیفه و اعمال خویش کوتاهی کرده است با افتخارات نسبی و قبیله ای راه بجائی نخواهد برد.

3 ـ همه مردم از ابتدا تا به امروز همانند دندانهای شانه مساوی اند.

«لا فضل لعربی علی اعجمی ولا للاحمر علی الاسود الاّ بالتقوی»

عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارند مگر آنکه تقوایش بیشتر باشد(2).

د ـ توحید بزرگترین حقوق بشری وانساني

انسانیکه از توحید جدا می شود و به غیر خدا متوجه می شود بزرگترین ضربه شخصیتی را به خویش وارد می سازد، البته این فاصله می تواند مظاهری داشته باشد. ممکن است در شکل پرستش انسانهائی چون خود ظهور کند، چنانکه فرعون با این ادّعا که ﴿فَقَالَ انَا رَبُّکُمُ الْاعْلَي﴾(3)، بر مردم حکم میراند و آنان را بنده خویش ساخته بود وگاه در شکل

_____

1 ـ سوره حجرت: 13.

2 ـ بحار الانوار ج 21 ص 138 مؤسسه الوفاء - سیره ابن هشام ج 4: 32، دار الفکر.

3 ـ سوره نازعات: 24.

بتها و موجودات بیجان جلوه می کند که همه اینها به ذلّت کشیده شدن انسان و جدائی او از هویّت واقعی خویش می انجامد.

حکومت اسلامی و جبهه‌های سه گانه مشرکان

در دیدگاه اسلام مشرکان غیر اهل کتاب از سه حالت برخوردارند و مواضع حکومت اسلامی متناسب با این مراحل است:

1 ـ مشرکینی که با آنان پیمان بسته شده است «مهادنه».

2 ـ مشرکین برخوردار از امان.

3 ـ مشرکین آزاد.

الف ـ مشرکین صاحب پیمان

وفای به عهد و پیمان، اصلی جاودانه است که اسلام بدان بسیار اهمیت داد و حتّی زمانیکه درهای مکه به روی سپاه اسلام گشوده شد و بسیاری از قبائل عرب در مقابل آن خاضع گشته و سوره برائت تکلیف مسلمین را در مقابل مشرکین جزیره العرب تعیین نمود صاحبان عهد و پیمان را استثناء نمود و فرمود: مگر آنگروه از مشرکان که با آنها عهد کرده اید و هیچ عهد شما نشکستند و هیچیک از دشمنان شما را یاری نکرده باشند پس با آنها عهد را تا مدتی که مقرّر داشته نگاهدارید که خداوند متقیان را دوست میدارد(1).

فقیه عالیمقام مرحوم محمد حسن نجفی متوفی 1266 در کتاب گرانسنگ خویش جواهر الکلام می نویسد:

(ان اقتضت المصلحه للاسلام والمسلمین مهادنتهم جاز او وجب لکن لا یتولی ذالک الاّ الامام علیه السلام او من یاذن له بالخصوص او بما یشمله کما صالح النبی صلّی ا علیه وآله وسلم قریشاً

1 ـ سوره توبه: 4.

حتی نقضوا العهد).

اگر مصلحت ایجاب کند که با مشرکین صلح شود جایز است و در بعضی از موارد واجب است، لکن عهده دار این کار شخص امام علیه السلام یا ماذون از جانب او در این کار و یا اعم از آن می گردد، چنانکه پیامبران گرامی اسلام با قریش مصالحه نمود تا اینکه قریش نقض عهد نمود(1).

مشرکین برخوردار از امان

یکی از احکامیکه در جهاد اسلامی مطرح می باشد بعنوان «ذمام وامان» است وآن عبارت از اینستکه رهبری ویا یکی از مسلمین پناهندگی مشرکان را بپذیرند وسند مشروعیت آن را ادلّه زیر بیان می نماید:

الف ـ قرآن کریم می فرماید: (اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست اورا پناه ده تا کلام الهی را بشنود سپس اورا به منزلش برسان)(2).

ب ـ در روایتی که شیعه و سنی آن را از پیامبر گرامی اسلام نقل نموده اند آمده است که پائین ترین فرد از مسلمانان می تواند تعهد در برابر کفّار به ذمه بگیرد(3).

ج ـ در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: زمانیکه یکی از بردگان دژ و قلعه ای از کفار را امنیت داد حضرت آن را پذیرفت و فرمود او جزء مؤمنان است. و نیز فرمود: هر فردی که کافری را امنیت دهد سپس نقض عهد کند و آن کافر را بکشد من از قاتل بیزارم اگر چه مقتول در آتش است(4).

و در این امان دادن سئوال و درخواست مشرک شرط نیست بلکه امام می تواند خود

1 ـ جواهر الکلام ج 21 ص 49.

2 ـ سوره توبه: 6.

3 ـ وسائل الشیعه ج باب: 20 از ابواب قصاص نفس.

4 ـ وسائل ج 11 ص 50 باب 20 از ابواب جهاد العدو حدیث 2 و 6.

راساً بدان اقدام نماید.

مشرکین آزاد

جهاد اسلامی در ارتباط با اینان جلوه دیگری به خویش می گیرد و در دو بعد دفاعی و ابتدائی، هماهنگ با اهداف متعالی و شیوه ها و آداب جنگی اعلام شده از سوی خود در صحنه مبارزات حضور می یابد. در این صحنه جهادگاه چهره دفاع به خود می گیرد و آن در صورتی است که مشرکان به نابودی اسلام و قرآن کمر بسته و موجودیت حکومت اسلامی را مورد تهدید قرار دهند، که نمونه از آن را در تاریخ جنگ احزابخوانیم، اینها نه تنها به صلح و امان تن نداده که تمامی قوای خویش را یکپارچه و متحد علیه اسلام وارد عمل نموده اند و طبیعی است که مسلمانان در مقابل مشرکین با تمام قوای خویش ایستاده و مبارزه و پیکاری سخت را با آنان آغاز کنند. که این حکم قرآن است که می فرماید:

﴿وَقَاتِلُواْ الْمُشْرِکِینَ کَآفَّه کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَآفَّه وَاعْلَمُواْ انَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ﴾(1).

آنچنان که آنان یکپارچه به جنگ شما آمده اند شما نیز متحداً با آنان بجنگید.

و نیز می فرماید:

﴿وَقَاتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ وَلاَ تَعْتَدُواْ انَّ اللّهَ لاَ

یُحِبّ ِ الْمُعْتَدِینَ (2).

در راه خدا با کسانیکه با شما می جنگند جهاد کنید و زیاده روی ننمائید.

از مصادیق مهم فتنه، شرک به خداست که هستی معنوی و هویّت انسانی اورا بر باد می دهد وبازگرداندن اوبه توحید، ارج نهادن به ارزشهای فطری والهی اوست. و همین است رمز و راز اینکه همواره در آیات جهاد بر کلمه «فی سبیل ا» تاکید شده و بدان اهتمام

_____

1 ـ سوره توبه: 36.

2 ـ سوره بقره: 190.

داده است، و جهاداسلامی نه تنها در تضادّ با حقوق بشری نیست که دفاع از مسلّم ترین وگرانبهاترین حقوق اوست همان که در بیان مولی الموحدین علی علیه السلام منعکس شده است و می فرماید: «فبعث ا محمداً صلی ا علیه وآله وسلم بالحق لیخرج عباده من عباده الاوثان الی عبادته ومن طاعه الشیطان الی طاعته»(1).

(خداوند محمد صلّی ا علیه وآله وسلم را بحق و راستی برانگیخت تابندگانش را از پرستش بتها بازداشته بعبادت وبندگی وادارد و از پیروی شیطان منع کرده بفرمانبرداری او سوق دهد).

البتّه مشهور فقهاء شیعه معتقدند که جهادابتدائی ازاختیارات امام معصوم علیه السلام باشد و حتی از ناحیه بعضی از فقهاء بر این مطلب ادّعای اتفاق شده است. مؤلف جواهر الکلام پس از نقل این ادعا می نویسد:

«لکن ان تم الاجماع المزبور فذاک والاّ امکن المناقشه فیه بعموم ولایه الفقیه فی زمن الغیبه الشامله لذلک المعتضده بعموم ادلّه الجهاد».

اگر اتفاق مزبور را تمام دانستیم مطلب مسلّم خواهد بود. در غیر این صورت می توان در آن اشکال نمود زیرا ادّله که برای فقیه، ولایت را به صورت گسترده و عام اثبات می کند این مورد را در برمی گیرد و می توان آن را به ادلّه عمومی جهاد نیز تقویت نمود(2).

مقررات اخلاقی جهاد اسلامی

1 ـ نهی از کشتن زنان، زمینگیران، نابینایان، پیرمردان ناتوان، دیوانه ها، بچه ها چنانکه در روایات و دستورات پیامبر گرامی اسلام بدان تصریح شده است و در کتاب

_____

1 ـ نهج البلاغه، فیض الاسلام خطبه 147 ص 446.

2 ـ جواهر الکلام ج 21 ص 14، دار الکتب الاسلامیة.

وسائل الشیعه بدین مناسبت فصلی گشوده است(1).

2 ـ نهی از مثله نمودن، یکی از دستورات و مقررات جهاد را پیامبر گرامی اسلام عدم مثله و قطع اعضاء کشته شدگان اعلام می کرد و می فرمود: «لاتمثلوا»(2).

3 ـ رعایت حال اسیران، مدارا و محبت با اسیران جایگاهی خاصّ در فرهنگ جهادی اسلام دارد که در کتابهای روائی برای آن نیز فصلی قرار داده شده است(3).

در جریان جنگ خیبر می خوانیم: زمانیکه صفیّه دختر حی ابن اخطب با یک زن دیگر اسیر می شوند بلال این دو نفر را از کنار کشتگان یهود عبور می دهد و آنان را خدمت پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم آورد، پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم بلال را مورد عتاب و سرزنش خویش قرار داد و فرمود: «ا نزِعت منک الرحمه یا بلال»، آیا از تو محبت وعاطفه گرفته شده که این چنین عمل می کني؟(4) و در این رابطه امام علی می فرماید: غذا دادن به اسیر و نیکی به او حقی است لازم اگر چه فردایش کشته شود. واین

چنین است که در اسلام عزیز زیباترین جلوه های اصول انسانی - اسلامی متجلّی می شود و عطر دل انگیز عدالت و عشق و امید را فراراه همه دوستداران به نیکیها و زیبائیها قرار داده و گلواژه های آیات حق را به همه نیک سیرتان و پاک سرشتان عرضه میدارد. به امید آنکه مهدی آل محمد صلّی ا علیه وآله وسلم آنکه صدها قافله دل همره اوست چشمان منتظر دوستدارانش را نوازش و با جلوه های معنوی خویش عدالت جهانی اسلام را انعکاسی تام و تمام بخشد.

وآخر دعاوانا ان الحمد رب العالمین

_____

1 ـ وسائل الشیعه ج 11 ص 43 با 15، از ابواب جهاد عدوّ.

2 ـ همان مدرك، حدیث 2.

3 ـ وسائل الشیعه ج 11 ص 68.

4 ـ تاریخ طبری ج 2 ص 302، منشورات مؤسسه الاعلمی.